

۱) قرآن چیست؟

۱) انبیا و فرستادگان خداوند متعال به سوی بشر هستند تا طریقهای زندگی

صحيح و راه رسيدن به سعادت اخروي را به وي بيابند.

+ خداوند تعالی به همراه برخی از انبیا کتاب نیز فرستاده

است تا به واسطه آن مستقیماً با بنیان خویش سخن بگوید. (احمد)

+ قرآن آخرین کتابی فرستاده شده از سوی خداوند است. این کتاب

در طول ۲۳ سال نبوت پیامبر گرامی اسلام به صورت تدریجی به مردم

ابلاغ شده است و یکی از اعلیٰ ترین وظایف رسول الله ابلاغ، تفسیر

و تبیین آیات قرآن بوده است. (قرآن و تبیین)

+ در زمان شخص رسول الله در میان اصحاب ایشان دو گروه پدیدار

شدند: ۱) حفاظ الوحي ۲) کتاب الوحي که گروه اول قرآن

را به حفظ می سپردند و گروه دوم آن را می نوشتند الله عمره ای از اصحاب

به هر دوی این گروهها فعال بودند که در صدر همی آنها امیرالمؤمنین

با علم علی (ع) بودند.

+ رسول خدا (ص) پس از نزول خدا به جایگاه آن را در قرآن مشخص

می کردند و در مرحله بعدی جایگاه هوسوره این تفسیر می نمودند

+ پس از شهادت رسول خدا (ص) آن می رفت که میان کتابان

و حافظان اختلاف پدید آید و قرآن شکل و معنای اولیه خود را

از دست ببرد. (تخریب عمومی شدن)

+ به همین دلیل لازم بود قرآن به صورت یکجا و یکپارچه جمع آوری

شود. به خصوص که در برخی نبردها عده ای از حافظان و قاریان قرآن

به شهادت رسیدند.

+ اولین کسی که این کار را انجام داد حضرت علی (ع) بودند. آن

تا سفینه قرآن ایشان به دلیل سیاسی پذیرفته نشد و ایشان خانه نشین

شدند.

+ قرآن که در دست ماست به حدود ۱۰۰ سال بعد از نزول آن جمع آوری

۳ - ۴ هجری قمری به دستور عثمان بن عفان ^{رضی الله عنه} خلافت خلیفه سوم

که خود از حافظان وحی بود توسط عده ای از مسلمانان جمع آوری

شد.

+ با توجه به چند نکته احتمال این که قرآن جمع آوری شده توسط منافقان

باشد قرآن نازل شده بر پیامبر باشد بسیار بعید و منتفی است.

۱) در زمان جمع آوری قرآن هنوز بسیاری از منافقانی که قرآن را

از شخص پیامبر شنیده بودند زنده بودند و اکثر کسی می خواست قرآن را

تفسیر دهد حتماً همه ای اعتراض می کردند.

۲) نسخه های نوشته از قرآن توسط کتاب وحی در زمان جمع آوری موجود

بوده است. (در میان های امیر جمعی از این نسخه ها کشف شده است و نسخه اکتبر

بصالح صادقی)

+ البته می دانیم:

۱) ترتیب سوره ها و آیات در این قرآن الزاماً همان ترتیب اصلی نیست.

۲) در قرآن اختلافات قرائتی به چشم می خورد [لا قدرات] اما این

اختلافات تقریباً هیچ تفاوت معنایی جدی ای به وجود نمی آورد.

۳) ترتیب قرآنی که در دست ماست همان کتاب هدایتی است که فرمودند

به رسول الله نازل کرده است (احمال تفسیر ترتیب) و ما می توانیم برای یافته

مسیر صحیح زندگی و رسیدن به سعادت افزودن از آن بهره بگیریم.

۱۲) آیا قرآن معجزه است؟

+ در بحث نبوت به تفصیل در مورد معجزه ~~ص~~ سخن گفته می شود

خلاصه بحث معجزه نشانه است که از سوی خداوند به رسولان داده

می شود تا به وسیله آن فرستاده بودن خود را به مردم ثابت کنند.

معجزه چیزی است که دیگر مردم از آن بی خبرند. آن عاجزند. (مشاء الهی)

+ پیامبر اسلام (ص) معجزه های فراوانی داشته اند اما مهم ترین معجزه

ایشان قرآن است. (تجربتی خوانند)

+ در اصول تاریخ به بحث اعجاز قرآن از جهات مختلف پرداخته شد.

مثلاً: درس ناخوانده بودن پیامبر (ص) ۲ اعجاز لفظی ۳ اعجاز معنوی ۴ غیره

+ اعجاز لفظی قرآن از نظر ادبی در مرتبه است که هیچ کس نمی تواند

مثل آن بیورد.

اعجاز معنوی محتوای مفاهیم قرآن آن چنان بلند و بی نقص و عقل پسند

است که هر کس آن را بخواند در برابرش تسلیم می شود.

+ ما اعجاز لفظی قرآن را در نمی کنیم این جنبه اعجاز قرآن ~~است~~

برای عربزبانان به ویژه اعراب خورهای صدر اسلام کاملاً روشن

اما همان جانیز مجذوب **معانی قرآن** بوده اند. آن چه امروز برای ما

جنبه ی اعجاز روشن تری دارد معانی قرآن است.

(۳) روش صحیح استفاده از قرآن چیست؟

+ هر کتابی دستور العمل استفاده ی خاص دارد. برای استفاده

صحیح از هر کتاب یا منبع معرفتی باید روش درست فهم آن را یاد کنیم.

+ مهم ترین منبع شناخت **روش فهم قرآن** ابتدا خود قرآن است.

دو سبب سخنان بیابراست.

+ در جاهای مختلفی از قرآن به این مطالب اشاره شده است که **تفسیر**

صحیح قرآن **تجاو** **تجاه** در **صلاحت** **بیابراست**.

برای مثال: ۱- سوره نحل ۱۴۴: * انزلنا **الیک الذکر** **تبین** للناس

با **قرآن** **الهم** * * قرآن را به سوی تو فرو فرستادم تا برای مردم آنچه را به سوی آن

دارند **تبین** است **تبین** کنی * ۲. نحل ۷۶: * **وما انزلنا علیک القرآن**

الا لتبین **لهم** **الذی** **اختلفو** **فیه** * * و قرآن را به سوی تو فرستادم جز برای

اینکه آنچه را مردم در آن **اختلف** دارند **توضیح** (تبین) دهی. *

... در مورد ...

حوا اکم تبارک؟! ^{علی اصغر}

خودت رو سحر کن!!

نقصا

مغنی ۹۲/۸/۶

+ این سخن در روایات بسیار زیادی نگذار شده است که وظیفی تفسیر کردن و توضیح دادن قرآن بر عهده پیامبر و جانشینان ایشان است. به عنوان مثال تسبیح و تسنی نقل کردند پیامبر بارها و بارها.

مخصوص در روزهای پایانی عمری فرمودند:

* اِنِّی تَارِکٌ بِکُمْ ^ع التَّائِبِ کِتَابُ اللّهِ وَعِزَّتِی

اهل بیته با آن تسبیح که آنرا گفتند ابدأ و انهما لمن یتقرّعا

حتى یدوا علی الفوض *

* من در میان شما دو چیز از شما را نمی گذارم؛ کتاب خدا و اهل بیت.

تا آن گاه که به این جنگ زند و از آنجا راهنمایی بخوبی هر که

که راه نمی شود و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا آن که در روز

قیامت بدون در کنار حوض کوثر بیوندند. *

clips

+ روش صحیح فهم قرآن این است که قرآن را در کنار عمق معنوی

امادیت صحیح نقل شده ببینیم و بفهمیم.

(۵) تفکر و تفحص

اسماً خاصیت ذاتی این است که می توان دارای درجه ای از ابهام

باشد (مثلاً کلمات و ...). و این خاصیت ارتباطی میگزینده دارد (من و پیامبرها

و ...)

+ گویندنی دانا و حکیم می تواند مشخص کند که مراد و منظور حقیقی اش از گفتار

چگونه بوده است

+ پس اگر می خواهیم منظور اصلی متکلم را بفهمیم باید نخست به دنبال قولیه ها

کلام او باشیم (اصطلاحاً شخصی از قرآن)

+ در مورد قرآن نیز همین قضیه برقرار است. بعضی از آیات قرآن معنای

روشن و قطعی دارند و برخی دیگر مبهم.

+ پس کسی که می خواهد معنای صحیح قرآن را بفهمد باید به دنبال قولیه ها

بگردد. این قرآن در مورد قرآن بود که فرموده است: و دعا سیر و پیامبر طاعت ^{له السلام}

Subject

Date

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

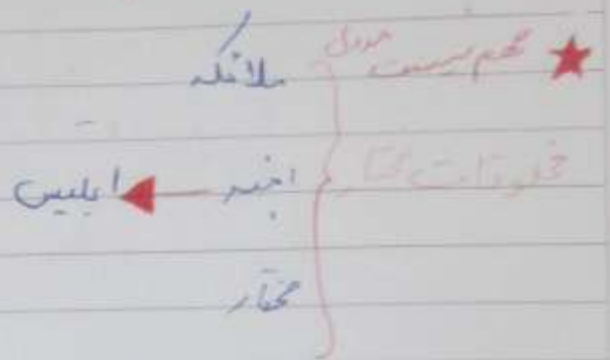
آل عمران: آية

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ كِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ

وَأُخْرٌ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ

الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَلَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ

* داستان ابلیس *



* خداوند به شیطان گفت *

«عبادی من حیث ارید لایمن حیث ارید»

«خدایت کردن من تنها از آن طریق است که من می خواهم نه

آنگونه که تو می خواهی»

مجموعه ۲۱ تا ۲۴ (ادای خدای ابرو و محترم)

»

تقدیر ^{خداوند} خدا

«شیطان (ادوی من که کین)»

سوره ابراهیم آیه ۲۲

عصيان الهي نفس اماره البليس مخلوقات عقل + فطرت
 شحوات و فرائض محمد نفس لوامه
 (عبارة سلطان)
 ← تعبارة الهي

سورة حجر آيات ٢٨ الى ٤٣

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ لِّبَشَرٍ مِّنْ صَلَاطٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (٢٨)
 فَإِذَا سَوَّيْتُهُمْ وَنَفَخْتُ فِيهِمْ رُوحِيَ فَقَعُوا لَهُمْ سَاجِدِينَ (٢٩) فَسَجَدَ
 الْمَلَكَةُ كُلُّهُمْ أَسْجُودًا (٣٠) إِلَّا إِبْلِيسَ لَمَّا أَنبَأَ أَن يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (٣١)
 قَالَ يَا بَلِيسَ مَا لَكَ الْإِنكِرَافُ مَعَ السَّاجِدِينَ (٣٢) قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ
 خَلَقْتَهُ مِن صَلَاطٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (٣٣) قَالَ فَأَخْرِجْهَا فَجَاءَتْكَ
 رَحِيمٌ (٣٤) وَإِن عَلَيْكَ الْعَذَابُ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (٣٥) قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي
 إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (٣٦) قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (٣٧) إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْعَظِيمِ
 (٣٨) قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ
 أَجْمَعِينَ (٣٩) إِلَى عِبَادِكَ مِنْهُمْ الْفَاسِقِينَ (٤٠) قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ
 (٤١) إِنْ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ أَتَىكَ مِنَ الْفُلُوجِ (٤٢)

وَأَنْ جَحَنَّمَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۴)

قرآنی تصویرهای مبارکه مجرای ۲۸ الی ۳۳

و هنگامی را که پروردگانت به فرشتگان گفت من بشری را از کل خشکیه ای

که از کل بیروی گرفته شده بی آفرینم (۴۷) هنگامی که آن را نظام خفیه و در آن

روح خود را دسیم همگی بر او سجده کنید (۴۸) پس همه فرشتگان بی استثناء سجده

کرده (۴۹) جز ابلیس که ابا کرد از این که با سجده کنندگان باشد (۵۱) خداوند

فرمود ای ابلیس! چرا با سجده کنندگان نیستی (۵۲) گفت من هرگز برای

بشری که او را از کل خشکیه ای که از کل بیروی آفریده ای سجده نخواهم کرد (۵۳)

فرمود از آن بیرونی رو که تو رانده شده ای (۵۴) و لغت تا روز محلت

بر تو خواهد بود (۵۵) گفت پروردگارا مرا تا روز استخیز محلت ده (۵۶)

فرمود تو از محلت یافتگانی (۵۷) تا روز و وقت معینی (۵۸) گفت پروردگارا!

به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من در زمین در نظر آن ها جلوه می دهم و به

یقین همگی را گمراه خواهم ساخت (۵۹) مگر بنده گان خالص شوه است (۶۰)

فرمود این راستی است که بر مخلصی من است (۶۱) که بر بنده گان هیچ

تسلطی نخواهی یافت مگر گمراهانی که از تو پیروی کنند (۶۲) و روز